

جای ادار و کسما

دوره - غلامحسین نسائی

مکتوبات و مکاتیب
باید بعنوان ذیل باشد

جنگل

هر چه جزیره طبع و تزیین خواهد

کتاب نمره هفت شایسته

کتابخانه

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوازم و اعلانات
فصولی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نشود

در اشراک جلد زنده در یافت می شود

قیمت اشراک

یکوا ۰۰ قران

مارم چهارشنبه ۱۰ بهمن ماه دی ۱۳۳۵

این روزنامه فقط بگامبسان حقوق ایرانیان و نوزادکاران اسلامیان است

بدکاران اما بد مجازات داد

مانیخواهم کینه مجازات و سایر مجامع تربیت
کار که هنوز در دست مملکت نماند متولد تدریس
کرده یا عملیات آنان را تصدیق کنیم .
بلکه همیشه این نکته را مسلم داشته و داریم که ترو
در مملکت مولد هیچ مرجع موجود غشاش ،
عقدت نماند ، باعث ضعف وای حکومت ،
سبب عدم اطمینان جانی و مالی کلیه افراد است .
مانیخواهم در این صحت صحبت کنیم که در مملکتی که
ایدا کرد در بدی را جزانی در پی نیست بدکاری
مردوح و سیکوکاری مذموم و هر کسی در پی هستند
و مقام حاکم مطلق فعال با برید و کلیه حرکاتش
بایشانی بوده و تصور جزانی را برای خیانت نمی
نمیکند بالطبع جمعی یا برای انتقام شخصی و یا ملاحظه فرماید
نوعی اقدام برود و گشتن اشخاص معلومه خواهد نمود
صرف نظر از این نظریه نموده میگوئیم باید بر
اقدام چنین امری نمود و باب تردد را مفتوح کرد
معه و مجازات شود ولی نمیتوانیم از ابراد یک جلد

خود داری نموده و از بیان یک مطلبی که وجداناً
ذمه دار ذکر آن هستیم صرف نظر نمائیم .
آیا فقط یک عده که قیام برور نموده قصد
با اغتشاش مملکت و اعمال اغراض شخصی بوده
یا حقیقتاً برای رفع سرفاقتین و جرایم وطن فردین
و جریان امور بجماری قانونی یا برای آسایش و
رفاه عموم و استخلاص گریبان مملکت از چنگال
گرگان آدمی صورت داخل میگویند عملیات شد
باید بانواع عقوبت اگر قرار گشته و مکافات ببینند
یا اینکه بعلاوه این جمع آن کسایکه نیز از
لد کتاب چگونه حیانت جنایت بدکاری
بر بادی مملکت مضایقه نموده حقوق ملکی و
دیانتی را صراحتاً بدون پروا و بیم یاد داده هر چه
را که مایل بودند کردند و بیسج متصفی نتوانند منکر
بدکاری های آنها شود باید مجازات برسند
با طرز حسن و در جو شهنین تقصیرت قتل و مظلومین
بعضیت کینه مجازات که چرا باین ترتیب نیست
آوری که فقط از یاد کارهای عهد چنگیزی و نمونه

های دوره بربریت و توخس است و استبداد
 مستبد و حتی سابق هم از ایان نظایران عاجز
 است باید در دست یک اروپائی قانونی مدنی
 آویت و وجدان (استداهل) مقرب
 شوند ایرادی نیکینیم حتی برای قطع زبان کردن
 و همیان مرتجعین غائب که بازم ما آمد و خرافات
 و دیانات خود قرارند میند اینگونه جهل و حیث
 و استداهل قانونی را مصدق میویم و تعارف میکنیم
 اینها و هر که جانی است قابل است بودگی است
 بدکار است، خان است، باید مجازات شود.
 ولی از عموم مردم و از عموم آن کسانیکه با حرات
 فوق التصور که محرک کن حرات خط توجیه مارکت
 غیر انگلیس است، مجازات این عده را خوان و
 کتبه علیات سبحانه و استداهل رئیس تکیلات
 نظیر قانونی او را بازیر پاکد استن جمع قوانین
 مدنی و دینی نفس قانون معرفی میکنند سوال
 میکنیم که آیا مجازات محمد و وین این عده
 است یا هر که بدکار است؟!
 جن اعدام عقید شدن در سیاه چال های
 تدریک زجر و سایر صدها تیراک با آن وضع جرات
 آمد بهر استداهل مجری میشود باید مخصوص کسانی
 باشد که بقصد خائنین وطن قیام کرده برای بدستن
 پست و وطنی قاور بودند سراسر اعلیات مشغول
 شدند یا اینکه بر باد و سبندگان حقوق
 ملت هم باید هر رویف این اشخاص مجازات
 را در پل کنند
 نظری در اوضاع پانچ
 سبب علی تجارت نداشته و نداریم و طبیعت

شاهپرسی ماییت که ذات اقدس شاهان را مقدر
 شماریم اما گذشته از آن مقام مقدس و صرف نظر
 از چند نظر معین که تا امروز بدستی معرفی شده اند
 مرکز ایران است از گروهی که غیر از برای ایران
 و تحکیم نفوذ و اخبار جعلی ظاهر نمودند امتیازات دادند
 مملکت را بخوابی و چار کردند ملت را بر روزگار تیره
 بهنجی و فلاکت مبتلا کرده و میکنند پیش آنگ
 استیلاهای اجانب بوده و نهند با سارت ابدی
 این ملت اهتمام داشته و دارند خط راه اصلاحات
 عاین صل مساوات. مانع قوی حریت روشن
 حکم مشروطیت و قانون ضد صریح شریعت آفیند
 دولت ظالمانه روس را محرک باین بر قتل و غارت
 های مجدد و حصر شدند اینک انگلیس را بخواب
 مملکت تقویت میکنند و چند نفر از دانشمندان
 بدین را بوسید مستمری های بخارخانه انگلیس
 بخواب کردن افکار جماعت و اخصا مشرفان
 ملت میکارند هر چه فعل قبیح است مرکب
 از هر چه عمل صحیح است دور و بلکه اعمال صحیح
 دیگران را هم میخواهند از میان برده باشند و
 همگی این جمعیت ناساس بطن را می شناسند
 با این حال تا امروز تک محکم در مملکت تشکیل شده
 که از گذشته آنان با بررسی کنند و برای ترک
 هرزه گپهای آینده آنها بپرسی آنها نداید.
 هر ناموری که بهر طرف روان شده و میشود
 آزاد از حقوق ملک و ملت را دشمن میفرموشد
 هر ملکی که بهر ولایتی میرود نوگری بگیاگان
 را خستیار نماید هر روزیری که بپند وزارت
 جالس میشود خود را مکلف بخدمتگداری بگیاگان

سیدند در عوض اینهمه بدکاری با تعالی رتبه نائل شوند
 بامنه این مراتب این اعیان و مستندگان و این
 غارتگران شرم و وجدید که بسم هم نمیریم برای اینکه
 دچار هاجمه شویم بچنین این منورکنندگان افکار
 جماعت که بالیره های انگلیسی اوراق ضلالت خود را
 هر هفته طبع و نشر میدهند باطله این طالبان بیاد
 اجباری با برانی و عاشقان چاکری اختیاری با جا
 از مجازات معاف و بیادش غارتگری حیات
 خود از ریاست بحکومت از حکومت بوکالت
 از وکالت بوزارت مجدد و باز بمقام اوله عودت
 کرده متقل بدور تسلسل مشغول میروند رئیس و وزیر
 بر میگردد حاکم وکیل امیر
 یکی از آنها اگر بنام انانیت و ریاضت ابراد
 مازیس شود فوراً بعضی از ادبای شیرین زبان
 و نویسندگان با وجدان فحش است و تهمت که
 از همین فصاحت خود سر از زیر کرده شماره کسیکه
 هدف تیرهای زهرالود قلم و زبان این خوش
 نظران شود.

البته اینها را نباید مجازات داد اینها آقا و رئیس
 و بزرگوارند حضرت اقدس حضرت اشرفند
 امیر و سردارند همه عظمت دارند همه محبت
 بزرگی و شخص را در مدار همه ممدوح (وطن)
 و محبوب

ولی اتحاد سلام غارت گری است در زمانه
 جنگل فضول است جنگلی شرور تدریت که بی
 عقل نظم کیمه مجازات هم که البته صداقت بود
 بیخواب زودتر برای نزدیکی مبرک العبادت
 تخم شریف حضرت اشرفها حضرت اقدسها بدر

محرم ما را از میان برداشته دولت فتنه انگیز
 و بلکه هر متجاوزی را ایران دلویک ... باشد
 و چارقلت انصار نمایند در امضورت باید مجازات
 ببینند و معدوم شوند.

یک سلسله بدبختی

فنا و فلاق، بی دیانتی، رذالت بطوری
 در ایران خصوصاً در پای تخت کب شدت نمود
 که بدون خجالت نمیتوان با حدی اطمینان پیدا کرد
 می بینیم در روز یکی از غم مملکت تنبیه اش چاک
 چاک بود امروز با کاغذ هاییکه عوض طلا و نقره
 خودشان با اسم پول از سفارت انگلیس میگیرند
 التیام پیدا نمود.

در روز یکی وکیل ملت بود و برای حفظ حقوق
 جماعت مثل زن بچه مرده بر سر دسینه میزد
 امروز با پول قاتلین تکلیف شده اعتبارات
 و جدانی خود را زیر پا میگذارند.

در روز یکی بوسیده نطق و بیان مردم بدبخت
 را سرگردان کرده و برای جلب توجه عامه
 بر رفت مقام نایل گشته امروز برای ملاقات
 محرمانه چند دقیقه فلان سفیر یا فلان وزیر
 مست سرشار از خلوت خانه بیرون خرید
 و بیرون و در روزی با یکی فراموش میکند
 در روز یکی بواسطه انقلاب با معیت انقلاب
 رئیس الاحرار شد امروز با کمال مشرعی با جا
 خدمتگذار.

در روز هر دوازه که با کمال امید و آرزوی ترویج
 عدل و انصاف و حفظ حقوق بیچاره ایرانی تشکیل
 گشت امروز بیسیم یا طرفدار انگلیس با دلی

مجاوزه دیگر با اقله مثل که انای سرگذرد
در آن کرده از سر آردی و لو صد و بیار باشد
با کمال بی شرفی بعنوان رشوه میگیرد.

دیروز یک اردو پالی قانونی بایک دنیا
شعب و اطمینان برای اداره کردن ادارات
بی ترتیب میاورند امروز بیسیم مزار و دزد
با اقله دستداهل شده و باسم قصاص اسمعیل
خان و حفاظت حضرت اشرف با جمعی میگیاه
راست بر سیاه حال نماید.

دیروز یکی برای آزادی آبادی ترقی ایران
نامسین روزنامه کرد امروز رفیق شفیق فلان
خان و خوانان جدی مجازات یک جمعی هشتم
بگیا، و ولی خون من السلطنه خان (در عصر)
با رتبه بلیتیک انگلیس شود. مثلا وزیر دربار
نا دیروز کمال اعتماد را همه با و داشته امروز معلوم
شد که ایشانم باید بی فیض نماند. جدا مانع است
که اخبارات و روزنامه جات بصورت شانیه تقدیم
گردد - بقیه دارد -

از مقالات وارده

ایران معارف ندارد یعنی هیچ ندارد
حالا دیگر لزومی ندارد که تلیق عبارت پرده خسته
و جملات متبجح راجع به صیف و وجوب معارف ایراد کنیم
ما در این عصر حتی پیش خود هم دیده و فهمیده ایم که در
ترقی یک ملت و استقلال یک مملکت بسته به وجود
معارف و میزان قدرت و ضعف یک ملک و متعلقه
ترقی و تزل معارف آن ملک است.
ما هر وقت دستون بگیریم که ما میخواهیم با زبان
بگفردیم نادمی هم اگر بشویم که ایران معارف ندارد

معنی این جمله این است که ایران هیچ ندارد
آری مملکتی که معارف ندارد هیچ ندارد
مانباید خود ما را کول بر نیم و ما چار باید آرد اگر کنیم معارف
نداریم و کلیمه در بر معارف و ایران صورت القاب
معمولی سابق را پیدا نموده است

در ایران اشخاصیکه عمده در این مقام فهم میشوند
بدون آنکه اہمیت شغل و مقام خود را احساس کرده
باشند بیک حالت لا اقدانه دوزخ وزارت و
مسئولیت خود را طری نمیانند!

بحث ما توجیه شخصیت گفتگو در ترتیب اجراء
با معارف نداریم و میخواهیم وزیر مقتدر با کمال حال
حاکم با عمل و کیل عالم در ایران پیدا شوند خرابیها را
ترمیم کنند مملکت را ترقی بخار ترار و رواج نعمت
را رونق دهند!!!

ما معارف نداریم و میخواهیم یکدو تنی بطرز اروپائی
داشته باشیم و همه چیز داشته باشیم آیا میطلب
امکان عقلی دارد؟؟!!

ما عالیہ اشخاص عالم و قابل برای کار نداریم و
از این مدارس فعلی هم نمیتوانیم این قبیل اشخاص
را برای آئینه خود تهیه کنیم این است که هم حالا داریم
بر آئینه برای اشخاص کافی و لایق سمیه در مضیف بهترین
وزارت و حکومت در میان یک عده سرکار
صعین حالت دوری پیدا نموده اند برای تعین
صالح یک وزیر مقتدر یک حاکم عالم پس از گوش
و نظر زیاد همان اشخاص سابق را با جزئی جرح و
تعدیل باز روی کار آورده و یک فخل غیر مستغنی
انکاء میباشیم (مگر خند نفر که خفا مقام خود را خیال میکنند)
ما در این قسم آفات یعنی انتخاب اشخاص برای

کار درست حال آنور چه را پیدا کرده ایم که در ذیره افتاده راه فرار ندارد و بعد از دو دو کجاوی بسیار ناچار خود را در یکی از نقاط منزلی از دایره توقف میازد چرا؟

برای آنکه در ایران قحطی غالب است سابق معارف نداشته ایم در حال بزرگ برای مشاغل ملکی و معات دولتی آهسته کنند و حالام نداریم ماورایند هم میدی داشته باشیم.

ما برای انخاب یکوزیر صالح و طمخوایه بریدیم که نقل کنیم حتی ناشر و بعقل خود را ماورایند نقطه نام فکر و سعی ما تندی شود بستونی الممالک شیرالده و غیر سلطنت ما من الملک و ماورایند و یکی دو نفر مثل اینها

ما هم عالی و هم در آیه مشه متوجه میکنیم که برای وزارت یکفر آدم عاقل پیدا کنیم نماند میریم فقط عقل زیاد برای وزارت کافی است و هنوز نداشته ایم که امروزه یکفر وزیر گذشته از عقل زیاد باید علم زیاد آتخته با تجارت و تهور هم داشته باشد. گمان میریم که حالا دوره سلطنت سلجوقی و عهد شاه است.

در قدیم برای اداره کردن مملکت سنا و نیکشاه سلجوقی یکوزیر عاقل مثل میرزا ابوالقاسم نظام الملک کافی بود ولی امروزه برای اداره کردن مملکت کوچک سوئس چندین وزیر عاقل و عالم لازم است وزیر عالم را از کجا بخواهیم؟ از مدارس.

مملکت وسیع نادری بزرگ یکفر دیکتا تورا عزم احداث کرد و در ولی مملکت کوچک است نتیجه زحمات و خدمات چند کور ملت عالم و دانشمند

ایجاد گشته است ملت دانشمند عالم در کجا پیدا شود

در مدارس در طهران و سایر شهرهای ایران یکجده مکاتب ابتدائی و قلیلی مدارس متوسطه یافت شوند که غالباً از طرف وزارت معارف تأسیس نشده بلکه شهی صیحه مدرس در بر اینها نیز مانند سایر مشاغل عادی فرغ نموده اند بهر نحو یک امکان داشته یکجانه و چند میرودیت تیه نموده و جمعی اطفال مرد و را با گردی پذیرفته اصول تدبیر و وضع بر گرام دروس در آن مکاتب که ما از مدارس میا میم موقوف میل سلیقه خود مؤسستین است و سر یک بمقتضای نظریات و میزان کفایت خویش آنها را راه میزند.

از اینجهت از مدارس ما هم شبامتی نداشته و فقط چیز که به او شرک میان آنها است انجمن معلمین بی سود است که مؤسستین بموجب جزئیاتی از اقطاع و سر اولیا و اطفال مردم را گرم نمایند حالا وزیر معارف باید این مدارس را که بر نعمت و بکران تأسیس شده در تحت اطاعت و پر گرام خود در آورد و انجام این مقصد هم موقوف بقبول یا اقطاع مؤسستین و مدیران است.

در حقیقت نمیتوان برای وزیر معارف ایران کمین صیغ خارج تصور نمود فقط در مرکز طهران یکفر را باین اسم بی ملاحظاتی میکنند.

وزارت معارف ما در غالب شهرها از طرف خود شعبه و نماینده ندارد گاهی یکفر نماینده را بایک شعبه موموم یا قلیلی بمحلی کسب میدارد و پس از یکی دو ماه یا خود او از بندت استیصال با فرار گذشته و با کاری از پیش برده و مدیران مکاتب با یک وضع

تأسف ناکی اور بیرون میا دارند

این است شرح مختصری از وضع اسف در معارف و مدارس ایران که ما میخواهیم از آنها رجالی بزرگ و دورانی عالم برای آتیه مملکت خود تهیه نمایم آیا این مطلب پذیر خواهد بود؟!

در ممالکی که ایجاد مؤسسات و طرح کلیات در دولت و دولت دمجی اصول آنها هم خود دولت است تقریباً تمام مدارس دولتی است و این قبیل مکاتب که آثار مدارس ملی موسوم کرده ایم وجود ندارد تا سیس مکاتب از طرف اشخاص عادی تکلیفی موجود مگر در باره موارد که آنهم مقید بالزام شرایط و پرگرام دولتی باشد و در آراء دولت هم از بدل مساعدت مالی خود در باره آنها مدارس در بیخ نخواهد داشت

ما عجلانته مجبور نیستیم که مضرات مدارس ملی منافع و مرخحات مدارس دولتی را مفضلاً ذکر کنیم فقط تعلیل آن مختصراً و بقیه را بوقت دیگر ملاحظه مبداییم.

اگر تمام مدارس دولتی باشند دیگر مدیران مدارس طهران مثلاً حق ندارند که پرگرام دولت را رد نموده و مدیران مدارس ولایات هم نمیتوانند ماورای بیرونی معارف را بیرون برانند و نیز چون مدارس دولتی است دولت میتواند در مدارس خود بفرستد و اینان نموده منافع عالی و نتایج صحیح تحصیل کند و از کارخانه های آدم سازی خود در حال دیپلمه و علمای پلیتیک وانی مثل سردار و در گریها اسکوت اللوید جرجها بعلین سار و تا از روی حل سیاسی و دینیات و علمانی بگذرن تمام مملکتی مثل ایران از کیف پلیتیک و خوبین در نوع وزارت خود محسوس نموده و کلیه آراء را در شیوه وزارتخانه نمند از آنجا تا بالاخره گم و نابود گردد و یک ملت محسوس با تمام

حقوق ملی و حیات قومی خود فدای حرصهای جاهلگری و تسلط امپراطوری هندوستان گردد!

باری مانند ایران نبودن عادت کرده و گوش ما میرسد از فرزنده و با شکل قصه مانند در سلسله ما منعکس میگردد و ذکر هر یک از نواقص مملکت را اظهار نادر بار شنیده و در جراید خوانده ایم ولی برای تبیین و تصفیة آن اقدامی بعمل نیامده این است که بیان آن نواقص دیگر جز مکرر است شده و از گفتن فایده حاصل ازین جهت است خرابی روی خرابی نواقص بالای نواقص در مملکت انباشته شده است!

اگر ما گمان مبریم که شش شوا داریم بعد از آنکه مکرر بار کرده برای هزارین دفعه با او از بلند میگویم که ایران را نداریم یعنی ایران صحیح ندارد!!

وزیر معارف ما هر که باشد باید بداند که روح ترقی و سعادت ایران در دست او است و همگانه در این مقام ضعیف شده است حیات و حیات ایران را در کف خود گرفته است ما مقام وزارت معارف را از این سیاحتات قابل تقدیر میدانیم زیرا که او باید شخص کاذب را میقتدر و بالاخره او همای قابل برای همه کار مملکت بی سر و سامان باشد نماید.

وزیر معارف باید برای توسعه و احکام معارف ترقی و تنظیم مدارس قومی فراتر گذشته و آنها را رسماً بنویزخانه خود تخصیص دهد

وزیر معارف باید بداند که از این مکاتب عالی تا یک عده اشخاص بی دست و پا برای تحصیل روزی ایجاد کرده اند کاری ساخته نیست و نمیتوان آنرا معارف نامید.

جرمات - آقای سالار خاتج که از بزرگان احزاب باعده از جوانین و محترمین بودند و در دوره اول از ملاقاتش نماندگان نیستند محرم جهت محل خود در روز مقدم این بزرگان تشریف می آورند

ر.ج

اوسات

چندالی از جفائی و سهر و از کین فلک
 چند گرنی از قضای چرخ و از کید نجوم
 نیت بر بخت را دور گردون طهرم
 نیت بر بچاره کی را کید چرخ و نون لوزم
 نیک بد تاثیر اعمال بد و نیک تواند
 فی یززدن شاد باش منی را بهرین طوم
 ملک سامان گزیند بر تاسر خراب است ای ملک
 از چه در بنگاه سیر و سوسان کمر و است بوم
 دولت روس را بر برطانی غیرت بگرد
 پیش ازین با نغش و دولت این مزر بوم
 انگلیس عاجز گری پس مدنه دست رود بکله
 سوی تو مطوف دار و دعوی اعمال شود
 گر نخر و مخر و بنیاد شقاوت و خوب
 از شمال مشرق و غرب آید بر خوش هجوم

چشمه زرد
فرونت ابدی

دولت زبان آزاد مدد و التورای و مانع بگرود
 با تفاق ششده شصت و شش ای می مجور شد
 که پس از تکمیل قوا و فکره و تمینه مونیون اوله نمودند
 منطقی بدون درنگ آزادانه در یک قضای عموم
 با فخر رزمهای گردان ایران و مملکت گیری
 سلاطین کیان و سلسله نیا ن برای مدتی
 حس مردگان بترک این کورستان بکتاب درکی
 فرودس آشیان مثبت و مشکلی کرد و بعد از
 انکاء بان مقام رقیع .

اول انراض ایات عاشقانه و ترانه های
 عارفانه غزل سرایان شیدی معشوق موهومی را بطور

و محو استقلال چندین ساله فی معشوق و گل
 بلبل را بجا طر آورده نقشه مستقرات ادبی جدیدی
 بجهت خود اتحاد نمود .
 دوم با اتحاد مثلث انگلستان متوسل سرق ظم را
 در معنق دولت استوار حکم به تجزیرات یک تنگه
 مقاله بدیده داد در آن واحد یک دیویزین
 سرما زبان لغات معموله با صاحب مضبان عبارات
 ر فرمه مطور بطور در بر گزیدیدان صفحات
 بچند ستون تقسیم برای تصحیح یک مانور خصوصی
 داده نشن فرمان کارش بحدی مطبوعه تمامه اردو
 در تحت طبع مرکزت گرفت .

چیزی گذشت تا زمان مطبوعه شیبور حاضر باش
 کشید کلن توزیع بحالت خبر و نظر دره انقزای
 کل هجوم را تمام حکم و بران امر فرمود

عدل بجوار جراید مرکزی ازین تجزیرات و هجوم
 فوق العاده متزلزل متعقا بلا خط حرارت منافع
 شخصی و حفظ منابع اقتصادی جریان بیست مملکت
 را تغییر برای جلوگیری ازین حوادث قیام نمودند
 دولت مقدر نوپهار صرف نظر از خط معانات
 حضرت شیخ مصطفی الدین سعدی شیرازی خود بعدی
 وقت است .

برای حفظ استقلال ملک ادبی با کمال سراف
 مشغول مدافعه گردید

دول متفق (وطن و ... و ...) نه برای
 مصونیت فواید ادبی حضرت شیخ بلکه این جهت
 که مقبره اش در جنوب و جنوب در تحت نفوذ
 دولت برطانی اعظم و تکلیفت پس خوب نظم
 و مقبره فردوسی در شمال .

لذا موافق پلیک امروزه و برای خوشنودی بریتانی
 هر یک بقدرت در مقام اعتراض برآید عرض انداز
 نمود و مهدی پرست شدند.
 سعدی وقت هم بداند که اتفاق آنها صمیمی نیست
 مقلدین دولت بریطانی بروش بی حقیقی آوستی
 میانند.

مجانا که ملاحظه است نهادیم که این فروت
 نسبت باول جنگ قدسی سکونت اختیار کرده.
 اگر دو دفعه این محاربه شروع نشود بلا شبهه حاجی
 نقیب خواهد بود مام برای اصلاح مسکویم ایران
 با اوضاع حاضره و حال اختصار طاقت جنگ
 ادبی و رسیدن آن محرم خارج از تراکت را ندارد

کوله نار انارلس ساوه
 پس از قطع رابطه باطنیه رابطه ظاهری با
 غلط بود و این اقدام خوشوقت شدیم (و دوست
 متضاد در یک جامع نمیشود) جنبش بی بی و نصرت

اعلان

بمبوم ایالات و ولایات هر گاه اربابان کمال
 و صاحبان فرهنگ در کتابهای لغت یک کلمه
 پیدا کردند که بجای (نازه) استعمال کنیم بشرطیکه
 معنی (نوا) را ندیده مار را درین مشت خواهند فرمود
 اختیار خواهیم گرفت

آقای مقصود سلطان در کلان و سلم خیابان
 روزنامه فروشی را تهیه میکنند که چاره در نامه جنگل را
 میفروشی بعضی سبب است سوال میکنند میفرمانند که
 اختیار طبع نشر میگرد ولی جریده فارس آزاد است
 مام اختیار خواهیم گرفت در صورتیکه در احوال جنگل
 گیلان منصوب شود.

قوام السلطنه و حکومت کلان
 بجهت عصبانی نشدن فقط یکفر در صورتیکه غول اخبار
 سردار نصرت بمرکز و نصب آقای قوام السلطنه صورت
 پذیرد ناچاریم بگوئیم در این جا وجود ناقص
 از عدم صرف است)
 آیا شمت الله دوله ضرر دشت؟

دفع چشم زخم
 بنشین دولت بریطانی چون تکیس پلین خوب را
 در یک نقطه ملاحظه نمودند دیدند مثل توجیه عمومی
 شده برودیک است از حضرت افسوس دیگران
 چشم زخمی با آنان برسد تفرقه آنان را اصلاح دانست
 تقسیم نمودند در تمام نقاط ایران منقسم شوند
 رستان، همدان، برود، بیرجند، قزوین
 نینان و غیره.

کویامقصدی را هم در جنگل شمال خیال دارند
 مخفی نمایند.

رفع اشتباه

رئیس استوکس انگلیسی که با آرزو پلان نظامی از
 فضای لندن بهوشی ایران طیران فرموده مقصودشان
 رفتن بهوش و دعای باران بجهت بسیاری نرزه
 های جنگ لیدن بوده همبوط ایشان بی پای
 تحت ایران موفقی و غیر رسمی است اگر باران
 نرسد دو دفعه برای استجابت دعا طیران خواهند
 نمود
 بزناداران سیاست مملکت مشتبه نگردد.

محل فروش - رشت - رسد ها و بندها مخافه
 میز ایفروز نینان - مطبعه کتیا -